

به جرم مهمان‌نوازیⁱ

ضمن استقبال از پناهندگان اوکراینی، سیاست‌های مهاجرتی «اروپا همچون قلعه» هنوز قربانی می‌گیرند.

نوشته‌ی ناتاشا لنارد

ترجمه‌ی سید سجاد هاشمی‌نژاد و محمدمهدی غلامی

تصور دلگرم‌کننده‌ای است که اگر که بپنداریم تمایل اروپا به باز کردن درهای خود به روی بیش از 2 میلیون پناهجوی اوکراینی، نشان‌دهنده‌ی تغییری بزرگ است؛ تغییری همچون در هم شکستن استحکامات ایده‌ی «اروپا همچون قلعه». اما برای باور کردن چنین چیزی، باید چشمانمان را به روی نمونه‌های کماکان موجودِ حاکی از تداوم پایبندی اروپا به اقدامات و سیاست‌های شدیدِ مهاجرگریز، ببندیم.

تنها کافیسست به ایتالیا بنگریم، کشوری که از پیش میزبان بزرگترین جامعه‌ی اوکراینی در اروپا بوده و اخیراً پذیرای بیش از 35000 پناهجوی فراری از جنگ ولادیمیر پوتین شده است. شهرداران شهرهای کوچک و بزرگ در سراسر کشور، به شکل تحسین‌برانگیزی، آمادگیِ قاطعِ خود را برای ورود و اسکان آوارگان اوکراینی ابراز کردند. اما دقیقاً در همان حال، شهردار سابق یک شهر کوچک ایتالیا، در حال مبارزه با حکم 13 سال زندان است که آن را بابت گشودن درهای شهرش به روی صدها پناهجو از خاورمیانه و آفریقا دریافت کرده است.

روز دوشنبه، ائتلافی به رهبری بین‌الملل ترقی‌خواه، کمپینی به راه انداخته که خواهان تبرئه‌ی شهردار سابق، دومنیکو لوکانو، ملقب به میمو، و لغو تمامی اتهامات علیه وی است.

لوکانو از سال 2004 تا 2018 شهردار ریاجه، دهکده‌ای با 2000 نفر سکنه در جنوب ایتالیا بود. لوکانو در دوران تصدی خود، از 450 پناهنده استقبال و به اسکان آن‌ها در این شهر کوچک کمک کرد. بعد از دهه‌ها افت جمعیت پس از جنگ [جهانی دوم] در پی کوچ کردن جوانان ایتالیایی از این شهر، مدلِ موسوم به ریاجه، به نمونه‌ای تحسین‌شده از هم‌زیستی چندقومیتی و تجدید حیات شهری تبدیل گشت. اما این تلاش‌ها، از سوی عناصر راست‌گرای قدرتمند در دولت ایتالیا - کسانی مانند ماتئو سالوینی، وزیر کشور سابق - که مسئول تشدید سیاست‌های ضد مهاجرتی در ایتالیا و کل اروپا بودند، غیرقابل تحمل تلقی شد.

لوکانو در سال 2018 حصر خانگی گردید، تمام بودجه‌های دولتی طرح‌های او قطع شد و رگباری از اتهامات ساختگی متوجه او گشت. سپتامبر گذشته، او بابت کلاهبرداری، اختلاس و همدستی در مهاجرت «غیرقانونی» مجرم شناخته شد. در کنار محکومیت حبسش که به طوری خارق‌العاده سنگین بود، یعنی تقریباً دو برابر چیزی که دادستان‌ها در ابتدا خواهان آن شده بودند، لوکانو با جریمه‌هایی با مبلغی بیش از نیم میلیون یورو نیز روبروست. او اعلام کرده که قصد تجدیدنظرخواهی دارد، فرایندی که انتظار می‌رود یک سال به طول بیانجامد.

اما کار نباید به اینجا برسد. اتهامات باید فوراً لغو شوند و محکومیت‌ها باطل شوند. کمپین بین‌المللی ترقی خواه همچنین از دادگستری اروپا و مقامات مربوطه‌ی ایتالیایی خواهان تحقیق و تفحص درباره‌ی شبکه‌ی ذی‌نفعانی است که اساساً منجر به صدور کیفرخواست علیه لوکانو شده‌اند. این پرونده نشان‌دهنده‌ی تلاشی فاشیستی برای جرم‌انگاری کسانی است که سیاست‌های مرزی نژادپرستانه‌ی اروپا را تهدید می‌کنند.

لوکانو در بیانیه‌ای که روز دوشنبه منتشر شد، گفت: «در طول این 14 سال، ریاچه به شعله‌ی امیدی برای مردمان استثمارشده‌ی ساکن ایتالیا و منبع الهامی برای شهرهای پناهنده‌پذیر در سراسر جهان شد. به خاطر این شفقت‌ورزی‌های مجرمانه، ما تحت تعقیب قضایی قرار گرفته‌ایم. تحت لوای شعار «اول ایتالیایی‌ها»، نیروهای مرتجع، شهر ما و آن الگوی مهمان‌نوازی را که بیش از یک‌دهه مانند فرزندی پرورش داده‌ایم، هدف قرار داده‌اند.»

در مورد سیاسی بودن اتهامات لوکانو، محکومیت‌های وی و شدت مجازات تعیین شده برای او، تردید چندانی وجود ندارد. این تصادفی نیست که او تنها یک هفته پس از آن که سالوینی، وزیر کشور سابق، اجرای یک سلسله طرح‌های بی‌رحمانه‌ی ضد‌مهاجرتی را اعلام کرد، دستگیر شد؛ طرح‌هایی که دقیقاً شامل قطع بودجه‌ی اقدامات مربوط به ادغام مهاجرین در جامعه‌ی میزبان، یعنی همان عنصر تعیین‌کننده‌ی سیاست‌های لوکانو، نیز می‌شد.

شهردار سابق، که قبل از ورود به سیاست، معلم مدرسه بود، ابتدا در دوران عضویتش در شورای شهر و سپس در سه دوره‌ی شهرداری، مدل ریاچه را اجرا کرد. اولین بار، زمانی که او در اواخر دهه 1990 با آن دسته پناهندگان کردتباری که به ایتالیا رسیده بودند صحبت می‌کرد، الهام گرفت تا ریاچه را به خانه‌ای برای آوارگان تبدیل کند. به عنوان شهردار، او با یافتن خانه، مایحتاج زندگی و شغل برای مهاجران عمدتاً سیاه‌پوست و قهوه‌ای‌پوستی که از منازعات نظامی و دیگر شرایط غیرقابل‌تحمل می‌گریختند، شهرتی بین‌المللی یافت.

لوکانو در مصاحبه‌ای با بین‌الملل ترقی خواه که به طور اختصاصی با اینترسپت به اشتراک گذاشته شده، گفت: «مساله‌ی مهاجرت به نیروی محرکه و رسالت تمام ساختار اداری [شهر] ما بدل شد. امیدی محقق شده بود. من به بهره بردن از فرصتی که برای سهیم شدن در بهبود جهان فراهم شده بود، باور داشتم.»

به گفته‌ی لوکانو، ری‌اچه به مکان محوری یک جنگ ایدئولوژیک تبدیل شد، «استعاره‌ای از یک تنازع» بین کسانی که بر پروژه‌ی نسل‌کشانه‌ی ناسیونالیسم سفیدپوستی پافشاری می‌کنند و کسانی، از قبیل لوکانو، که تفکر نژادپرستانه‌ی حاکم بر اداره‌ی مرزها را رد می‌کنند. او می‌گفت: «از یک طرف، ایده‌ی برادری، همبستگی و خودانگیختگی وجود دارد. از سوی دیگر، ایده‌ی خودمحوری است. این ایده که «ما ارجح هستیم»، که ایده‌ی هولناکی برای انسان است. این که کسی بگوید «من بر دیگران ارجحیت دارم» پذیرفتنی نیست.»

سالوینی و حزب فاشیستی «ائتلاف شمالی» او، موفقیت مدل ری‌اچه را تهدیدی اساسی برای خود می‌دیدند: از منظر نگاه ناسیونالیسم سفیدپوستی، بهتر است شهری ویران و متروکه شود تا اینکه به عنوان خانه‌ی مهاجران غیرسفیدپوست احیا شود. سالوینی، در زمان دستگیری لوکانو، وی را به «استعمار ایتالیا توسط مهاجران» متهم کرد. صدها مهاجری که در ری‌اچه مستقر شده بودند، از این شهر به مراکز نگهداری پناهندگان در اقصی نقاط کشور منتقل شدند و دولت حتی تولید یک سریال تلویزیونی در مورد «شهر خوش‌آمدگویی» را - که لقب ری‌اچه شده بود - معلق کرد.

نوآم چامسکی طی اظهارنظری در حمایت از این شهردار سابق گفت: «دومینیکو لوکانو امیدی واقعی را برای احیای ری‌اچه و تبدیل شدن به الگویی برای دیگران ارائه می‌کرد. مجازات او مایه‌ی شرمساری است. او باید فوراً آزاد شود و به او کمک شود که کار مهمی که آغاز کرده بود را به سرانجام برساند.» دیگر شخصیت‌های برجسته‌ای از جمله جرمی کوربین، رهبر سابق حزب کارگر بریتانیا و یانیس واروفاکیس، وزیر دارایی سابق یونان، به مطالبه‌ی تبرئه‌ی لوکانو پیوسته‌اند.

لوکانو و حامیانش تمام اتهامات مربوط به تخلفات را رد می‌کنند. آن‌ها به مسخره‌بودن این امر که شهردار سابق سنگین‌ترین حکم را برای اتهام اختلاس دریافت کرده است، اشاره می‌کنند، آن‌هم در حالی که حتی دولت هم اعتراف کرده است که لوکانو به هیچ شکلی چیزی بر ثروت خود نیفزوده. لوکانو در مصاحبه با بین‌الملل ترقی‌خواه بار دیگر تاکید کرد که «به عنوان شهردار، من فقط به غنی کردن منطقه پرداختم» آن هم از طریق ایجاد مشاغل شهری برای ساکنان تازه‌وارد، «اما در نهایت، این کار، شد یک جرم کیفری.» شهردار سابق همچنین سرسختانه این اتهام را نمی‌پذیرفت که او با اجازه دادن به کودکان برای اقامت در مراکز پذیرش پناهندگان برای مدتی طولانی‌تر از حداکثر شش ماه‌های که توسط دولت آن زمان دیکته شده بود، مرتکب سوءاستفاده از اختیارات شده است.

لوکانو در مورد بدخواهانی که در میان مقامات ایتالیایی دارد، گفت: «کاری که من در صدد انجامش بودم آزارشان می‌داد، عمدتاً به این دلیل که پروژه‌ی پذیرش پناهندگان از نظر آن‌ها باید کاملاً مطابق با دستورالعمل‌های تعیین شده باشد. اما بسیار بدبختی است که من اخراج کودکان از منطقه و نظام مدرسه را نمی‌پذیرم، و از سر اعتقاد این فرمان را نادیده گرفتم.»

اکتبر گذشته، در پی محکومیت لوکانو، نظریه‌پرداز سیاسی ایتالیایی دوناتلا دی چزاره نوشت که این حکم «پیامی صریح است به هر کسی است که بخواهد جرأت کند که در آینده از او الگوبرداری کند. پیام، این است که کسانی که از مهاجران استقبال می‌کنند، مجرم هستند.»

آنچه هفته‌های اخیر جنگ جنایت‌آمیز روسیه نشان داد این بود که اتحادیه‌ی اروپا، و حتی راست‌گراترین عناصر پوپولیست آن، حاضرند این پیام را قدری دست‌کاری کنند. التزام به باورهای لوکانو مستلزم آن است که چیزی که گفته نمی‌شود را با صدای بلند بیان کنیم: صریحاً اقرار کنیم به برتری‌گرایی سفیدپوستی اروپا.

دولت ایتالیا تحت هدایت ماریو دراگی، نخست‌وزیر کنونی، برخی از شدیدترین مقررات ضد مهاجر سالوینی را لغو نموده، اما به هیچ وجه نمی‌توان گفت که کشور را به مأمونی خوش‌آمدگو بدل کرده است.

پرونده‌ی لوکانو یادآوری تیره‌ای است از این امر که اکنون به هیچ وجه زمان تکریم ایده‌ی «اروپا همچون قلعه» یا فراموش کردن قربانیان آن نیست: از سال 2014، نزدیک به 20000 مهاجر در دریای مدیترانه رها شدند تا بمیرند، هم‌اکنون حدود 5000 نفر در بازداشتگاه‌های مالامال از شکنجه‌ای هستند که در لیبی با بودجه‌ی اتحادیه اروپا اداره می‌شوند، و هم‌زمان افراد انسان‌دوست بابت کمک به کسانی که کشورهای اروپایی آن‌ها را دورریختنی می‌دانند، با آزار و اذیت مواجهند. اروپا، به ویژه ایتالیا، در تعقیب قضایی آنانی که به مهاجران کمک می‌کنند، پیشگام بوده است. محکومیت لوکانو یکی از حدی‌ترین نمونه‌هاست.

اگر رهبران اروپا انسانیت لازم برای حمایت از پروژه‌های چندنژادی، حامی مهاجران، و کارگری مانند ریچه را ندارند، حداقل باید آن قدر شرم داشته باشند که چهره‌ی نمادین رهبری جریان حامی مهاجران را بیش از یک دهه زندانی نکنند.

این نوشتار در 21 مارس 2022، مصادف با اول فروردین 1401، در وبسایت بنگاه خبری – تحلیلی The Intercept منتشر شده است.

نسخه‌ی انگلیسی این نوشتار را می‌توانید در این آدرس بیابید: